
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

مبانی مشاوره و راهنمایی

«علوم تربیتی»

مولف: سمیرا هاشمی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان داوطلبان عزیز را پوشش داده است. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

کتابی که پیش رو دارید مجموعه‌ای گردآوری شده از مطالب و سرفصل‌های درس در «مبانی مشاوره و راهنمایی» اسست که از مهمترین و اصلی‌ترین منابع کنکور کارشناسی ارشد جمع‌آوری شده است. تا حد امکان سعی شده که تمام مطالب و نکات کلیدی و مهم کنکوری، در این کتاب پوشش داده شود. این مطالب در ۵ فصل طبقه‌بندی شده است. پس از هر فصل خلاصه‌ای نموداری ارائه شده که مطالعه و مرور آن در جمع‌بندی مطالب و نظم و انسجام ذهنی، بسیار مؤثر است. در پایان هر فصل نیز تست‌های متنوعی همسو و در راستای سؤالات کنکور، تألیف شده تا خواننده بتواند میزان توانایی و تسلط خود را در پاسخگویی به سؤالات کنکور بیازماید.

لازم به تذکر است که چون مطالب این کتاب (در راستای اهدافش) خلاصه و گزینشی از مطالب منابع اصلی کنکور می‌باشد، لذا به خواننده توصیهٔ اکید می‌شود که برای تسلط بیشتر بر مفاهیم و موضوعات این درس، به منابع و مراجع اصلی (که در متن کتاب عناوین آنها ذکر شده است) مراجعه کند و آنها را با دقت مطالعه فرماید و این کتاب جایگزین آنها نشود. این کتب مرجع (خصوصاً کتب دکتر شفیع‌آبادی) از منابع اصلی آزمون دکتری نیز می‌باشند و مطالعهٔ آنها ضروری است.

در آخر ضمن سپاس از خداوند منان که این فرصت را در اختیارم قرار دارد تا بتوانم به ره پویان علم و دانش خدمت کوچکی عرضه کنم، برخود لازم می‌دانم از ناشر محترم که با ابتکار و خلاقیت خود این زمینه را فراهم آورده است، تشکر و قدردانی کنم.

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

پیشگفتار ناشر ۳
پیشگفتار مولف ۴

فصل اول: **اصول و مقدمات راهنمایی و مشاوره**

گفتار اول: تعاریف و ضرورت راهنمایی و مشاوره ۱۱
تفاوت‌های مشاوره با راهنمایی و روان‌درمانی ۱۵
ضرورت راهنمایی و مشاوره ۱۷
گفتار دوم: تاریخچهٔ راهنمایی و مشاوره؛ و راهنمایی و مشاوره در اسلام ۱۹
تاریخچهٔ مشاوره و روان‌درمانی ۱۹
تاریخچهٔ راهنمایی و مشاوره در ایران ۲۱
گفتار سوم: اهداف، انواع و اصول راهنمایی و مشاوره ۲۴
اهداف مشاوره ۲۴
راهنمایی و مشاورهٔ تحصیلی ۲۸
راهنمایی و مشاورهٔ شغلی ۲۸
گفتار چهارم: وظایف و خدمات راهنمایی ۴۰
وظایف راهنمایی ۴۰
خدمات راهنمایی ۴۱
گفتار پنجم: الگوهای راهنمایی ۴۲
خلاصه فصل ۵۰
تست‌های آخر فصل ۵۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۶۵

فصل دوم: **فنون راهنمایی و مشاوره**

گفتار اول: فنون راهنمایی ۶۹
۱. آزمون ۷۴
۲. مصاحبه ۷۴
۳. مشاهده ۷۷
۴. واقعه‌نویسی ۷۷
۵. مقیاس درجه‌بندی ۸۰

عنوان **صفحه**

۶. پرسشنامه ۸۵
۷. شرح حال‌نویسی ۸۷
۸. فهرست مطابقه (چک‌لیست) ۹۰
۹. گروه‌سنجی (سوسیومتری) ۹۱
گفتار دوم: فنون مشاوره ۹۵
مهارت های اولیه مصاحبهٔ مشاوره ای ۱۲۶
خلاصه فصل ۱۳۷
تست‌های آخر فصل ۱۴۴

فصل سوم: **راهنمایی و مشاورهٔ تحصیلی و شغلی**

گفتار اول : راهنمایی و مشاورهٔ تحصیلی ۱۵۷
راهنمایی تحصیلی ۱۵۷
مشاورهٔ تحصیلی ۱۵۸
اهداف راهنمایی تحصیلی ۱۵۹
روش های اجرای راهنمایی تحصیلی ۱۶۰
گفتار دوم: راهنمایی و مشاورهٔ شغلی وحرفه‌ای ۱۷۶
اصول ارائه اطلاعات شغلی وحرفه‌ای ۱۸۱
نظریه‌های رضایت شغلی ۲۰۳
چگونگی ایجاد نظریه در راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای ۲۰۴
طبقه‌بندی نظریه‌های انتخاب شغل و حرفه ۲۰۴
ارزشیابی نظریه‌ی گینزبرگ ۲۰۶
نظریه‌ی سوپر ۲۰۷
عاقلانه بودن ترجیح‌های شغلی و حرفه‌ای ۲۱۰
نظریه‌ی رو ۲۱۰
نظریه‌ی هالند ۲۱۱
نظریه‌ی روانشناسی فردی ۲۱۳
خلاصه فصل ۲۱۵
تستهای آخر فصل ۲۲۳
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۲۷

فصل چهارم: **راهنمایی و مشاوره گروهی**

گفتار اول: تعاریف، انواع، ویژگی‌ها و پویایی گروه ۲۳۱
تعریف گروه ۲۳۱
گفتار دوم: راهنمایی و مشاوره گروهی ۲۳۷
مقایسه‌ی راهنمایی و مشاوره گروهی با راهنمایی و مشاوره‌ی فردی ۲۳۸

عنوان **صفحه**

تاریخچه‌ی گروه درمانی ۲۳۸
روش مشاوره‌ی گروهی ۲۳۹
گفتار سوم: تشکیل و فرآیند مشاوره‌ی گروهی ۲۴۰
تشکیل مشاوره‌ی گروهی ۲۴۰
فرآیند مشاوره‌ی گروهی ۲۴۳
عوامل درمانی در گروه درمانی ۲۴۶
رهبری در مشاوره‌ی گروهی ۲۴۸
ارزیابی فرآیند مشاوره‌ی گروهی ۲۴۸
نقش اعضاء در مشاوره‌ی گروهی ۲۴۹
تصمیم‌گیری در مشاوره‌ی گروهی ۲۵۰
خلاصه فصل ۲۵۱

فصل پنجم: **مشاوره خانوادگی و نظریه‌های مشاوره و روان درمانی**

گفتار اول: مشاوره خانوادگی ۲۵۹
گفتار دوم: نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی ۲۶۱
خلاصه فصل ۲۶۵
تست‌های آخر فصل ۲۶۷
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۶۹

فصل اول

اصول و مقدمات مشاوره و راهنمایی

عناوین اصلی

- گفتار اول: تعاریف و ضرورت راهنمایی و مشاوره
- گفتار دوم: تاریخچهٔ راهنمایی و مشاوره؛ و راهنمایی و مشاوره در اسلام
- گفتار سوم: اهداف، انواع و اصول راهنمایی و مشاوره
- گفتار چهارم: وظایف و خدمات راهنمایی
- گفتار پنجم: الگوهای راهنمایی
- خلاصه فصل

فصل اول

اصول و مقدمات راهنمایی و مشاوره

گفتار اول: تعاریف و ضرورت راهنمایی و مشاوره

تعاریف راهنمایی

ارائه تعریف جامع و مانعی که مورد تأیید همهٔ علمای این رشته باشد امکان‌پذیر نیست و هر صاحبنظر بر اساس اعتقاد و نگرش و دیدگاه خود، راهنمایی را به نوعی تعریف می‌کند. تعاریف راهنمایی در کتاب «مقدمات راهنمایی و مشاوره» و «فنون و روش‌های مشاوره» نوشتهٔ دکتر شفیع‌آبادی، به صورت زیر ارائه شده است:

- راهنمایی به معنای دلالت هدایت و راهبری کردن است.
- راهنمایی به عنوان یک **مفهوم نظری**، کمک به فرد در زمینه مشخص و از دیدگاه معینی است.
- راهنمایی به عنوان یک **امر تربیتی**، مجموعه تلاش‌ها و کوشش‌هایی است که دانش‌آموزان را در بهتر شناختن خویش در تمامی ابعاد وجودشان یاری می‌دهد.
- راهنمایی به عنوان یک **خدمت تربیتی**، به مجموعه روش‌ها و جریان‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد رابطهٔ‌یاری‌دهنده، نهایتا، به حل مشکلات دانش‌آموز می‌انجامد.
- به عقیدهٔ «شرتزر و استون»، راهنمایی تلاش پویایی است که انسان را در خودشناسی و آشنایی با پیرامون یاری می‌دهد.
- به عقیدهٔ «ترکسلر»، راهنمایی فعالیتی است که انسان را از توانایی‌ها و رغبت‌هایش آگاه می‌سازد و موجب می‌شود که فرد پس از شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌هایش در جهت زندگی گام بردارد.

به عقیده «مک‌دانیل»، راهنمایی کمک به فرد است تا بتواند فرصت‌های تحصیلی و شغلی و شخصی را به درستی و آگاهانه تشخیص دهد و از هر موقعیت بیشترین استفاده و بهرهٔ ممکن را ببرد.

به عقیده «پاترسون»، راهنمایی کمک منظم به فرد است تا بتواند توانایی‌ها و محدودیت‌های خود را بشناسد، رفتار و حالاتش را در موقعیت‌های گوناگون متعادل سازد، در حل مشکلاتش توفیق یابد، تصمیم مناسبی در زمینه تحصیلی اتخاذ کند، شغل مناسبی برگزیند و نهایتاً به رشد و کمال برسد. از این رو راهنمایی با افزایش رشد در همهٔ جوانب فرد را یاری می‌دهد تا آگاهانه تصمیمات مناسبی اتخاذ کند.

- به طور کلی راهنمایی یک جریان یاری‌دهنده است که از طریق یک سلسله فعالیت‌های منظم و سازمان‌یافته به رشد متعادل و همه‌جانبه انسان می‌انجامد و موجبات بهره‌گیری از حداکثر توانایی‌های بالقوهٔ فرد را در نظام آموزش و پرورش فراهم می‌آورد. از این دیدگاه، **راهنمایی و آموزش و پرورش تفکیک‌ناپذیرند** و راهنمایی رشد دانش‌آموزان را تسریع و تسریع می‌کند. اجزای تعریف فوق عبارتند از:

۱. راهنمایی یک **جریان** یاری‌دهنده است. همانطور که از کلمهٔ جریان برمی‌آید، جریان یک امر مداوم و مستمر است و به همین اعتبار انجام عمل راهنمایی در تمام مقاطع سنی و تحصیلی محرز و ضروری است. همانطور که رشد یک جریان است و

هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود، راهنمایی انسان نیز در هیچ سن و دوره‌ای از زندگی متوقف نمی‌گردد. راهنمایی در تمام ادوار زندگی وجود دارد و در هر دوره و سن به شیوه‌ای خاص و توسط افراد معینی اعمال می‌گردد. لذا مسئولان نظام آموزش و پرورش نباید تصور کنند که راهنمایی دانش‌آموز به دوره خاصی محدود می‌شود. بدین لحاظ **همهٔ انسان‌ها در تمام سنین به راهنمایی نیاز دارند.** در عین حال، نوع، شدت، میزان و زمان راهنمایی برای افراد مختلف متفاوت است.

۲. راهنمایی از یک **سلسله فعالیت‌ها** مرکب است. همانگونه که معلم با انجام یک سلسله فعالیت‌های به هم پیوسته به تعلیم و تربیت دانش‌آموزی مبادرت می‌ورزد، راهنما نیز از طریق مجموعه فعالیت‌هایی که توسط خود او و افراد دیگر انجام می‌پذیرد، فرد را در نیل به هدف یا اهدافش یاری می‌دهد. همکاری سازمان‌ها و مؤسسات و افراد متعدد در انجام راهنمایی ضرورت تام دارد و عدم مشارکت دیگران و نبودن منابع ارجاعی، راهنمایی را با شکست مواجه می‌سازد. کاربرد این مورد در آموزش و پرورش آن است که نمی‌توان اجزای برنامه‌های راهنمایی را فقط به راهنما سپرد، بلکه **همکاری همگان و تمام افراد و مؤسسات جامعه در موفقیت برنامهٔ راهنمایی، عامل ضروری محسوب می‌شود** و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

۳. فعالیت‌های راهنمایی همچنین **منظم و سازمان‌یافته** هستند. انجام راهنمایی برنامهٔ معین و مشخصی دارد واز اصول و ضوابطی پیروی می‌کند. در صورتی که اجرای راهنمایی تابع نظم و سازمان باشد، راهنما به خوبی می‌داند که کار را چگونه و از کجا آغاز کند و با چه روشی به اهداف تعیین شده برسد، داشتن نظم و سازمان در راهنمایی باعث صرفه‌جویی در وقت و نیز موجب پیش‌بینی عواقب کار می‌گردد.

۴. راهنمایی به **رشد متعادل و همه‌جانبه** انسان می‌انجامد. **انسان موضوع راهنمایی است.** از طریق راهنمایی به فرد کمک می‌شود تا در تمام ابعاد وجودی به رشد متعادل و هماهنگی دست یابد. ابعاد وجودی انسان بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و جدا از هم قابل بررسی نیستند.

۵. راهنمایی موجب می‌شود که فرد **حداکثر استفاده از توانایی‌های بالقوه‌اش** را ببرد. توانایی‌های بالقوه خصوصیات موروثی هستند که از طریق وراثت و به وسیلهٔ ژن‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و زمینهٔ اقدام و فعالیت را در مورد خاصی برای فرد مهیا می‌سازند. نقش عوامل محیطی نیز در شکوفایی و به فعلیت درآوردن توانایی‌های بالقوه، نباید نادیده گرفته شود. تمام انسان‌ها کم‌وبیش از توانایی‌های بالقوه در زمینه‌های متفاوتی برخوردارند و تأکید اصلی راهنمایی بر شکوفایی و به فعلیت درآوردن توانایی‌های بالقوه در جهت مطلوب و مناسب است.

۶. راهنمایی و آموزش و پرورش از یکدیگر غیرقابل تفکیک هستند و استفاده از راهنمایی، آموزش و پرورش را کارآمدتر و مؤثرتر می‌سازد. آموزش و پروش و راهنمایی لازم و ملزوم هستند و تفکیک آنها ممکن نیست. آموزش وسیله‌ای برای پرورش محسوب می‌شود. در جریان آموزش و پرورش، همواره راهنمایی فرد مدنظر است و **از راهنمایی به عنوان وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف آموزش و پرورش استفاده می‌شود.**

- در کتاب «مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره» نوشتهٔ دکتر احمدی، تعاریف زیر از راهنمایی، ارائه شده است.

۱. راهنمایی به عنوان تعلیم و تربیت: بروئر راهنمایی را مترادف تعلیم و تربیت می‌دانست. به نظر او راهنمایی و تعلیم و تربیت به هدایت زندگی افراد می‌پردازد و در فهم، سازمان دادن، توسعه و رشد خویشتن و همکاری متقابل به آنان کمک می‌کند.

۲. راهنمایی به معنای هدایت فرد به زمینه مناسب تحصیلی و شغلی و سازگاری با محیط اجتماعی: راهنمایی در این معنی فرایندی است برای هدایت و سازگاری فرد. بر این اساس «کاتز»، معتقد بود که راهنمایی نوعی مداخله در انتخاب‌هاست و به مراجع کمک می‌کند تا از فرصت‌های موجود تحصیلی و شغلی یکی را برگزینند. همچنین راهنمایی به سازگاری افراد با محیط کمک می‌کند تا بتواند به تقاضاهای متنوع محیطی پاسخ مناسبی دهند.

۳. راهنمایی به معنای کمک به فرد برای شناخت خود و جهان اطراف: آرباکل، در بیان راهنمایی به عنوان یک سازهٔ تربیتی معتقد است که راهنمایی اشاره به تدارک تجربیاتی دارد که به دانش‌آموز در فهم خویشتن کمک می‌کند. به نظر شرتزر و استون، راهنمایی فرایندی برای کمک به فرد است تا خود و جهان خویش را درک کند.

● نقش راهنمایی در تعلیم و تربیت، در کتاب «اصول و روش‌های را هنمایی و مشاوره» نوشتهٔ دکتر حسینی بیرجندی، به صورت زیر عنوان شده است:

۱. راهنمایی، رسیدن به هدف‌های تعلیم و تربیت را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، راهنمایی با کمک کردن به معلم، دانش‌آموز، و کارکنان مدرسه، پیشرفت دانش‌آموز و موفقیت معلم را در کار خویش، بیشتر و آسان‌تر می‌کند.

۲. راهنمایی کمک می‌کند که فرد خود را بهتر بشناسد و استعدادها، علایق و مشکلات اجتماعی خود را درک کند.

۳. راهنمایی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا آگاهی‌های لازم را در زمینهٔ تحصیلی و حرفه‌ای خود به دست آورد و از آنها استفاده کند. به عبارت دیگر راهنمایی به فرد کمک می‌کند تا خود و محیطش را بشناسد و از امکانات موجود حداکثر بهره‌برداری را ببرد و به گزینش رشته تحصیلی و شغل مناسب، اقدام کند.

۴. نقش راهنمایی ایجاد سازگاری است و به دانش‌آموز کمک می‌کند تا خود را با زندگی و مدرسه سازگار سازد.

به‌طور خلاصه، «راهنمایی تسهیل‌کنندهٔ وصول به هدف‌های تعلیم و تربیت است که کمک می‌کند دانش‌آموز خود و محیطش را بهتر بشناسد و به طور رضایت‌بخشی خویشتن را با زندگی و مدرسه سازگار سازد.»

تعاریف مشاوره

مشاروه از لحاظ لغوی به معنی همکاری است و رأی و نظر دیگری را در انجام کاری خواستن است. مشاوره توسط صاحبنظران مختلف به طرق گوناگونی تعریف شده است.

تعاریف مشاوره در کتاب «مقدمات راهنمایی و مشاوره» و «فنون و روش‌های مشاوره» دکتر شفیع‌آبادی به صورت زیر ارائه شده است:

به نظر «پاترسون»، مشاوره جریانی است که در آن وجود ارتباط خاص بین مراجع و مشاور ضرورت دارد. مراجع معمولاً با مسأله و مشکلی عاطفی مواجه است و مشاور در ارائه راه‌حل برای مشکلات عاطفی تخصص دارد. از طریق برقراری رابطهٔ مشاوره‌ای، مشاور به مراجع کمک می‌کند تا راه‌حلی برای مشکلی پیدا کند. پاترسون مشاوره را یکی از خدمات راهنمایی می‌شمرد و ارائه اطلاعات صرف و پند دادن و تلقین عقاید را، مشاوره به حساب نمی‌آورد. زیرا در این موارد، ارتباط مشاوره‌ای – که لازمهٔ درمان است – وجود ندارد و مشاور صرفاً افکار و عقایدش را برای دیگری بیان می‌کند.

به نظر «آرباکل»، مشاوره جریانی تخصصی بین مراجع و مشاور است که بدان وسیله مراجع با کمک مشاور به بررسی و تحلیل مشکلش اقدام می‌کند و بر نکات ناشناختهٔ شخصیت خود، آگاهی می‌یابد و بر اثر تعامل و رابطهٔ مشاوره‌ای با مشاور به جستجوی راه حل برای مشکلاتش می‌پردازد و درهای دنیای روشن‌تری را بر خویشتن می‌گشاید.

به عقیدهٔ «دینک مایر» که از پیروان مکتب روان‌شناسی فردی است، مشاوره جریانی فعال و پویا بین مراجع و مشاور است که بدان وسیله مراجع، نحوهٔ برقراری ارتباط با دیگران را می‌آموزد، شیوه‌های معقول برای ارضای نیازهایش را یاد می‌گیرد، احساسات ناشناخته‌اش را می‌شناسد، اطلاعات وسیع و عمیقی دربارهٔخویشتن به دست می‌آورد و پس از شناخت اهداف زندگی، چگونگی رسیدن به آنها را معین می‌سازد. **از این دیدگاه، اعتقادات، نگرش‌ها و رفتار و نهایتاً شیوهٔ زندگی فرد از طریق مشاوره دگرگون می‌شود.**

به عقیدهٔ «پیپنسکی»، در مشاوره به بررسی و درمان مشکلات روانی نسبتاً سطحی مبادرت می‌شود. این مشکلات علل جسمانی ندارند و صرفاً بر اثر عوامل محیطی و یادگیری حاصل شده‌اند. مشاور پس از ایجاد رابطه با مراجع به تشخیص مشکل و سپس درمان آن می‌پردازد. در این روش مشاوره چون بر **تشخیص** مشکلات کنشی و سپس بر **درمان** آن تأکید می‌شود، می‌توان آن را یک روش «طبی» نامید.

تعریف مشاوره از دیدگاه «طبی» عبارت است از فعالیتی تخصصی که به تشخیص و درمان مشکلات کنشی می‌انجامد.

به نظر «رابینسون»، مشاوره عبارت از کمک به افراد عادی برای کسب **سازش بهتر** با خود و دیگران، **افزایش بلوغ عاطفی، استقلال** و **قبول مسئولیت** است. بنابراین تعاریف با افراد عادی و حتی با کسانی که مشکل روانی خاصی ندارند نیز می‌توان مشاوره کرد. از این رو مشاوره به **افزایش کارآمدی** و سازش بهتر با خود و محیط پیرامون منجر می‌گردد.

به عقیدهٔ «استفلر و هاچ» (استفلر و گرانتی)، مشاوره رابطهٔ یاری‌دهندهٔ تخصصی بین مراجع و مشاور است که به **شناخت بیشتر و بهتر** مراجع از خصوصیات خویشتن و **تصمیم‌گیری معقول** و مناسب در زندگی منجر می‌شود.

به نظر «اسمیت» مشاوره جریان یاری‌دهنده‌ای است که بدان وسیله به مراجع اصول و شیوه‌های مربوط به **انتخاب و طرح‌ریزی** و ادامهٔ یک زندگی معقول و موفقیت‌آمیز آموخته می‌شود. از طریق مشاوره می‌آموزد که چگونگی یک زندگی سالم و سازنده را طرح‌ریزی کند و بدان ادامه دهد.

به عقیدهٔ «هکنی و نای»، مشاوره جریان یاری‌دهنده و یکتایی است که در آن مراجع پس از طرح مشکل، با کمک مشاور که فردی متخصص و آشنا به امور روانی است به حل مشکل تشویق می‌شود. مشاوره از آن نظر یکتاست که مشکل هر مراجع مخصوص به خود اوست و مشاور نمی‌تواند از قبل مشخص سازد که مراجع چه مشکلی را در جلسهٔ مشاوره مطرح خواهد کرد. مشاوره همچنین قابل پیش‌بینی است زیرا مشکلات مراجعان به ظاهر مشابه است و همگی احساس نگرانی می‌کنند، بلاتکلیف هستند، دلهره دارند و نظام زندگیشان به هم ریخته است. در عین حال هر یک از این موارد مشابه در مراجعان متعدد مصادیق رفتاری متفاوتی دارد.

به نظر «گوستاد»، مشاوره **رابطه‌ای آموزشی بین مراجع و مشاور** است که در آن بر **یادگیری** تأکید می‌شود. جریان مشاوره از سه مورد لازم تشکیل می‌شود:

اول آنکه **شرکت فعال مراجع و مشاور و تعامل بین آنها** اهمیت ویژه‌ای دارد. از این دیدگاه مراجع کسی است که مشکل روانی دارد و خود قادر به حل آن نیست و مشاور فردی است که در حل مشکلات روانی تخصص دارد.

مورد دوم که برای انجام مشاوره ضرورت دارد، **داشتن هدف** است. اهداف مشاوره متنوع و متعدد هستند و نوع آنها به موضوع مشاوره و وضعیت مراجع و مشاور بستگی دارد.

سومین مورد لازم برای انجام مشاوره، **توجه به اصول یادگیری** است. تمام نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی به نوعی با این اصول سروکار دارند و **یکی از اهداف مهم مشاوره آن است که به مراجع رفتار جدیدی آموخته شود.**

به نظر «مک دانیل»، مشاوره یک سلسله تماس‌های حضوری بین مشاور و مراجع است که بدان وسیله مراجع به تفکر دربارهٔ نگرش‌ها و طرح‌ها و امکاناتش تشویق می‌شود و روش‌های سازگاری مؤثرتر با خود و دیگران را یاد می‌گیرد. در این دیدگاه احترام به مراجع و تشویق او به کسب بینش جدید به منظور تغییر رفتار وی نقش به‌سزایی دارد.

به عقیدهٔ «ترکسلر»، در مشاوره نباید صرفاً حل مشکلات آنی مراجع مدنظر مشاوره باشد، بلکه نقش اصلی و اساسی مشاوره ایجاد و توسعه اعتماد به نفس و استقلال و افزایش قدرت مبارزه با مشکلات و گسترش رشد فکری مراجع است.

از دیدگاه «ویلیامسون»، مشاوره جریانی آموزشی است که به رشد شخصیت فرد می‌انجامد.

به نظر «رن»، مشاوره رابطه‌ای هدفدار و پویا است که مراجع را در خودشناسی و تصمیم‌گیری مناسب و ارضای نیازهایش یاری می‌دهد.

به نظر «شرتزر و استون»، مشاوره یک جریان یادگیری است که بدان وسیله مراجع مطالبی را دربارهٔ خود و مناسباتش یاد می‌گیرد.

به‌طور کلی، مشا وره تعاملی بین مراجع و مشاور است که بدان وسیله به مراجع کمک می‌شود تا پس از شناخت خویش تصمیمات معقول و مقبولی اتخاذ کند. از این رو در مشاوره اولاً برقراری تعامل و رابطهٔ مداوم و هدفدار بین مراجع و مشاور

ضروری است؛ ثانیاً **هدف غایی، اتخاذ تصمیمی معقول است** که با نیازها و امکانات شخصی و اجتماعی مراجع سازگار باشد. لازم به ذکر است که **هدف از کارکرد مشاوره، تغییر رفتار مراجع است.**

در کتاب «**مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی**» دکتر احمدی، تعاریف زیر از مشاوره ارائه شده است:

«پاترسون» معتقد بود که برای تعریف مشاوره بهتر است بررسی شود که مشاوره چه اموری نیست. او می‌گفت که:

۱. مشاوره مترادف با ارائه اطلاعات نیست. با این‌که ممکن است در رابطه مشاوره‌ای اطلاعاتی به مراجع داده شود.

۲. مشاوره نصیحت کردن و تلقین مطالب به مراجع نیست.

۳. مشاوره تأثیر و نفوذ بر طرز فکرها و عقاید مراجعان از طریق قانع‌سازی و تحکم نیست.

۴. مشاوره تعیین و انتخاب شغل برای مراجعان نیست.

۵. مشاوره مترادف با مصاحبه نیست.

مشاوره جزء حرفه‌های یاورانه از قبیل روان‌درمانی و مددکاری اجتماعی است و با آنها وجوه مشترکی دارد. وجوه مشترک حرفه‌های یاورانه عبارتست از:

۱. رفتار آدمی معلول علتی است. با شناخت علت رفتار می‌توان آن را تغییر داد.

۲. هدف حرفه‌های یاورانه کمک به افراد است تا عملکرد بهتری داشته باشند و توانایی‌های خویشتن را شکوفا سازند.

۳. این حرفه‌ها بر پیشگیری تأکید دارند.

۴. وسیلهٔ اصلی کمک در این حرفه‌ها رابطهٔ یاورانه است.

روان‌درمانی و مشاوره را می‌توان فرآیندی دوجانبه و متقابل دانست که برای تغییر احساسات، شناخت‌ها، طرز فکرها و رفتارهای رنج‌آور مراجعی که از فردی کارآزموده و متخصص کمک می‌طلبد، انجام می‌پذیرد. روان‌درمانی به وسیلهٔ افراد کارآزموده در رشته‌های روان‌پزشکی، روانشناسی بالینی، مددکاران اجتماعی روانی و مشاوران به کار می‌رود. روان‌درمانی (و مشاوره) بر این فرض بنا نهاده شده است که احساسات، بینش‌ها، طرز فکرها و رفتار افراد محصول تجربیات گذشته و شخصی آنها است و وقتی رفتاری را فرد یاد گرفته باشد می‌توان آن را تغییر داد. از این دیدگاه روان‌درمانی و مشاوره مترادف هم انگاشته شده و مشابهت‌های آنها در نظر گرفته شده است. فرق‌های بین روان درمانی و مشاوره بعداً توضیح داده خواهد شد.

دو ویژگی عمدهٔ مشاوره عبارت است از:

۱. در مشاوره بین مشاور و مراجع حتماً تماس برقرار می‌شود و معمولاً مشاوره مستلزم چندین تماس است. زیرا غالباً به صرف گرفتن اطلاعات یا انجام یک مصاحبه، مشکلات در یک جلسه حل نمی‌شود. بلکه به علت پیچیدگی موجود انسانی اکثر اوقات جلسات مشاورهٔ متعدد لازم است. پس **نکته مهم در مشاوره تماس شخص با شخص است.** تماس مستقیم فرد با فرد و عکس‌العمل متقابل این دو، از خصوصیات مشاوره است.

۲. هدف مشاوره عرضه یا پیشنهاد کمک به مراجع است، به‌گونه‌ای که او در به کار بردن آن، آزاد و مختار است. در رابطهٔ مشاور و مراجع، اجباری در کار نیست. در غیر این صورت این عمل تحمیل عقاید مشاوره است، نه مشاور. به عبارت دیگر **مشاوره رابطه‌ای مختارانه بین مشاور و مراجع** است که هدف آن ارائه و پیشنهاد کمک به مراجع است. (حسینی بیرجندی)

تفاوت‌های مشاوره با راهنمایی و روان‌درمانی

مشاوره با راهنمایی تفاوت دارد. راهنمایی مفهوم وسیعی دارد و تمام برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را که برای کمک به فرد تهیه می‌شوند، شامل می‌شود. در حالی که **مشاوره یکی از خدمات و تکنیک‌های خاص راهنمایی است و اصطلاحاً قلب راهنمایی**

به حساب می‌آید. راهنمایی جنبهٔ پیشگیری و مشاوره در وهلهٔ اول بعد درمانی دارد. بدین معنی که از طریق راهنمایی از بروز مشکلات جلوگیری می‌شود و مشاوره به حل مشکلات کمک می‌کند.

بین مشاوره و روان‌درمانی نیز تفاوت‌هایی وجود دارد.

به نظر «بوهلر»، روان‌درمانی جریانی است که شیوهٔ درست زیستن با خود و دیگران را به فرد می‌آموزد. درمانگر که فردی متخصص و کارآزموده است با ایجاد رابطهٔ درمانی در جهت حل مشکلات روانیِ درمانجو، اقدام می‌کند و او را در کسب سازگاری بهتر با زندگی یاری می‌دهد. از طریق روان‌درمانی، کژرفتاری‌ها و اختلالات روانی، درمان می‌شوند و سازمان شخصیت درمانجو بر اساس معیارهای مطلوب فردی و اجتماعی تغییر می‌کند.

به عقیدهٔ «پاترسون»، بین مشاوره و روان‌درمانی، تفاوت مهم و اصولی وجود ندارد. زیرا هدف غایی مشاوره و روان‌درمانی، تأمین رشد مناسب و افزایش کارآیی و بهبودی در تعامل فرد با دیگران است.

به نظر «برامر و شوستروم»، تفاوت بین مشاوره و روان‌درمانی **بیش از آنکه کیفی باشد، کمی است.** از طریق مشاوره به اصلاح و رفع مشکلات تربیتی، شغلی، تحصیلی، خانوادگی و بهداشتی افراد عادی در مدت زمان کوتاه اقدام می‌شود در حالی که با استفاده از روان‌درمانی به حل مشکلات افراد مبتلا به ناراحتی‌های روانی شدیدتر در مدت طولانی‌تر مبادرت می‌گردد.

«تایلر»، معتقد است که مشاوره کمک به افراد عادی است که درک روشنی و هویت و شناخت روشنی از خود دارند و مشکلات آنان بیشتر جنبهٔ تربیتی دارد. در حالی که از طریق روان‌درمانی به حل مشکلات و **اختلالات عمیق شخصیتی** اقدام می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در «مشاوره» اولاً **مسائل حاد عاطفی کمتر** مطرح می‌شوند؛ ثانیاً نسبت به مراجع و نگرانی او، **نگرش مثبت بیشتری** وجود دارد؛ ثالثاً **مدت درمان کوتاه‌تر** است. (شفیع‌آبادی، مقدمات راهنمایی و مشاوره)

دکتر حسینی بیرجندی در کتاب «**اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره**»، پاره‌ای از دیدگاه‌هایی که طرفداران اختلاف بین مشاوره و روان‌درمانی اظهار می‌دارند، به صورت زیر بیان کرده است:

۱. مشاوره به موارد عادی و روان‌درمانی به موارد غیرعادی، مرضی، درگیری‌ها و ناسازگاری‌های شخصیتیِ عمیق توجه دارد.

۲. خدمات مشاوره بیشتر در مدارس و سازمان‌های تربیتی و اجتماعی انجام می‌شود؛ در حالی که معمولاً سر و کار روان‌درمانی با امور روانی است و این کار در بیمارستان‌ها انجام می‌گیرد.

۳. در مشاوره، تعداد جلسات و زمان صرف شده، کمتر از روان‌درمانی است.

۴. در مشاوره، به اموری توجه می‌شود که در حوزهٔ آگاهی فرد قرار دارند؛ در حالی که در روان‌درمانی، به **وجدان ناخودآگاه** مراجع توجه می‌شود.

۵. در مشاوره، به مراجع از جهات خودشناسی و رشد در زمینه‌های استقلال، تصمیم‌گیری، خودیاری در رفع مشکلات و نظایر آنها کمک می شود، حال آن‌که حوزهٔ فعالیت روان‌درمانی مسائل مربوط به **تضاد درونی فرد** است.

۶. روان‌درمانی به دگرگونی شخصیت فرد توجه دارد ولی مشاوره کوشش می‌کند تا فرد را قادر سازد که از منابع موجود بهره‌برداری کند.

۷. در روان‌درمانی در ارزیابی و تشخیص، غالباً از مصاحبهٔ بالینی استفاده می‌شود؛ حال آن‌که مشاور به احتمال کمتری تست و وسایل روان‌سنجی را به کار می‌برد.

۸. مشاوره بیش از روان‌درمانی، به امر شناخت در مراجع می‌پردازد و برخلاف روان‌درمانی، مسائل عاطفی حاد را کمتر بررسی می‌کند.

۹. روان‌درمانی در پی دستیابی به هدف‌های **بازسازی** (reconstruction) و مشاوره در پی دست یافتن به هدف‌های **بازپروری** (rehabilitation) است.

با این حال بسیاری از مشاوران و روان‌درمانگران از جمله راجرز و پاترسون معتقدند که بین مشاوره و روان‌درمانی اختلافی وجود ندارد و این دو اصطلاح را می‌توان به جای یکدیگر به کار برد. اما عده‌ای هم چنین اظهار می‌دارند این دو لااقل از نظر **آمادگی‌ها** و **برنامه‌ریزی‌های مقدماتی** با هم تفاوت دارند. آنها این تفاوت‌ها را به لحاظ **هدف، نوع مراجع، روش** و **مکان کاربرد** این دو شیوه مطرح می‌سازند.

در تمایز مشاوره و روان‌درمانی می‌توان گفت که مشاوره به حل مشکلات رفتاری در افراد عادی کمک می‌کند و هدف پیشگیرانه، تربیتی و تسهیل رشد دارد. در حالی که روان‌درمانی به آن دسته از مشکلات رفتاری می‌پردازد که جنبهٔ مرضی دارد و هدف آن بیشتر درمانی، سازگارانه و جبران‌کننده است. (احمدی، مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره)

ضرورت راهنمایی و مشاوره

دکتر حسین بیرجندی در «اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره»، عوامل مهمی که ضرورت برنامهٔ راهنمایی را ایجاب می‌کند، به شرح زیر بیان کرده است:

۱. پیشرفت اقتصادی و صنعتی

پیشرفت اقتصادی و صنعتی باعث شده است که مشاغل جدید و متنوعی در زمینه‌های مختلف خدماتی و فنی به وجود آید. تربیت نیروی انسانی که بتواند پاسخگوی نیازهای شغلی مذکور باشد، ایجاب کرده است که به منظور کمک به دانش‌آموزان در گزینش مشاغل مورد بحث، به صورتی که با استعدادها و علایق آنان منطبق باشد، برنامهٔ راهنمایی به وجود آید.

۲. تنوع رشته‌های تحصیلی و گسترش آموزش‌های حرفه‌ای

توسعهٔ صنایع و احتیاج به نیروی انسانی ماهر برای ادارهٔ صنایع تازه و همچنین پاسخگویی به نیازهای شغلی که به علت اجرای برنامه‌های رفاهی، در بخش خدمات به وجود آمده است، تأسیس رشته‌های تحصیلی جدید را موجب شده است. تنوع رشته‌های تحصیلی و لزوم کمک به دانش‌آموزان در انتخاب مناسب در این زمینه، تشکیل برنامهٔ راهنمایی را ضروری ساخته است.

۳ تحولات اجتماعی

تحولات اجتماعی در زمینهٔ دگرگونی طبقات اجتماعی و گسستن بندهای اتکا و عواطف خانوادگی پیش آمده، ضرورت رشد قدرت تصمیم‌گیری و خود رهبری را موجب شده است. فراهم کردن موجبات رشد، قدرت تصمیم‌گیری و مواجه با مشکلات مربوط به روابط اجتماعی در افرد، دلیل دیگری بر ضرورت و اهمیت برنامهٔ راهنمایی است.

۴. اشتغال والدین در خارج از خانه و عدم آگاهی آنان از شیوه‌های راهنمایی

تحرک و پیچیدگی زندگی موجب شده پدران و مادران به کارهای خارج از خانه اشتغال بورزند و این اشتغال باعث شده که برای ایجاد روابط متقابل بین والدین و فرزندان، فرصت کافی وجود نداشته باشد این امر و همچنین عدم آگاهی والدین از مسائل نوجوانان و شیوه‌های راهنمایی، عامل دیگری در تأیید لزوم تشکیل برنامه راهنمایی است.

۵. اجرای تعلیمات عمومی و توجه به کیفیت آموزش و پرورش

اجرای تعلیمات عمومی و بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش ایجاب می‌کند که برنامهٔراهنمایی و به‌ویژه توجه به تفاوت‌های فردی، مورد توجه مخصوص قرار گیرد. تشکیل برنامهٔ راهنمایی و مشاوره برای رشد هماهنگ جنبه‌های مختلف شخصیت و توجه به تفاوت‌های فردی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

دکتر شفیع‌آبادی نیز در کتاب «**مقدمات راهنمایی و مشاوره**» ضرورت راهنمایی و مشاوره را به صورت زیر بیان کرده است:

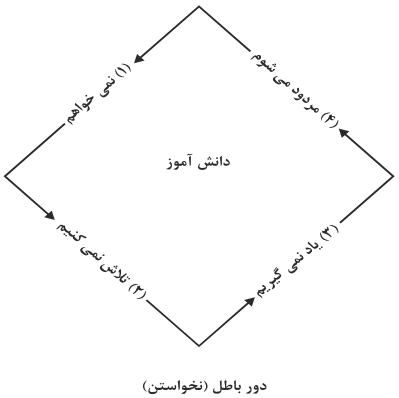
در جامعه سنتی به دلیل محدودیت اطلاعات و گزینه‌ها، انتخاب ساده‌تر است و فرد به‌راحتی می‌تواند تصمیم بگیرد؛ اما در جامعهٔ صنعتی با توجه به گستردگی و وسعت اطلاعات و تعدد و تنوع گزینه‌ها، انتخاب مشکل است و فرد برای تصمیم‌گیری مناسب به کمک دیگران نیازمند است. پیدایش مشاغل متنوع و متعدد و نیاز به تخصص در انجام کارها، راهنمایی شغلی را ضروری ساخته است.

بهره‌گیری از خدمات راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش نیز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. آموزش و پرورش عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل متعدد برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن تمام استعدادهای انسان و سوق دادن او به سوی هدف‌های مطلوب از طریق برنامه‌ای سنجیده و حساب‌شده. این هدف زمانی متحقق و عملی می‌گردد که بر **سه قطب مهم آموزش و پرورش، یعنی دانش‌آموز، معلم و موضوع درسی،** توجه به جا و کافی مبذول شود.

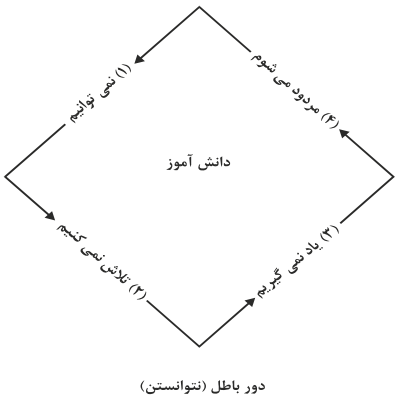
۱. دانش‌آموز: هدف‌های آموزش و پرورش زمانی عملی خواهد شد که دانش‌آموزان از نظر جسمی، ذهنی، روانی، اجتماعی و اخلاقی برای انجام دادن فعالیت‌های مربوط آمادگی داشته باشند. اگر دانش‌آموزان دچار مشکلاتی شوند، رشد و یادگیری آنان مختل می‌گردد و معلم به تنهایی قادر به حل مشکل نیست. از طریق خدمات راهنمایی و مشاوره می‌توان مشکلات آنان و خانواده‌شان را برطرف کرد و در نهایت بر یادگیری آنان و کارآمدی آموزش و پرورش افزود. همچنین از طریق برنامهٔ راهنمایی، به دانش‌آموزان در شناخت استعدادها و توانایی‌ها و محدودیت‌هایشان کمک می‌شود.

۲. معلم: یادگیری و سلامت روانی دانش‌آموزان با ویژگی‌ها و عملکرد معلم رابطهٔ بسیار نزدیک دارد. معلم همچون هر انسان دیگری نیازها و مشکلاتی دارد که باید در حد امکان به رفع احتیاجات و حل مشکلات او اقدام شود. معلم همچنین باید روش‌های کارکردن صحیح با دانش‌آموزان را بداند و در موضوعی که تدریس می‌کند، می‌تواند محیط مناسب و مطلوبی برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم آورد، نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان را بشناسد، به محض مشاهدهٔ علایم ناسازگاری و مشکلات یادگیری در صدد اصلاح و رفع آنها برآید، تا حد امکان تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را در جریان آموزش و پرورش، مدنظر قرار دهد، به موقع و با شیوه‌ای درست با والدین شاگردان تماس برقرار سازد.

۳. موضوع: هدف‌های آموزش و پرورش زمانی متحقق خواهد شد که برنامه‌ها و محتوای دروس بر اساس توان‌ها، نیازها، رغبت‌ها و محدودیت‌های دانش‌آموزان تهیه و تدوین شوند. برنامه ریز باید بداند که چه «موضوعی» را با چه «شیوه‌ای» و برای چه «سنی» تهیه و تنظیم کند. چنانچه موضوع با توان (استعداد) و خواسته (رغبت) دانش‌آموز هماهنگ نباشد، در هر دو مورد با پیدایش دور باطل دانش‌آموز موضوع را یاد نخواهد گرفت.



دور باطل (نخواستن)



دور باطل (نتوانستن)